

دانشنامه جهان اسلام

خ

خانه - خلعت

(۱۵)



زیر نظر
علاء‌المطلبی صدرا و عادل

تهران ۱۳۹۰



دانشنامه جهان اسلام

جلد پانزدهم

چاپ اول: ۱۳۹۰ / تعداد ۵۰۰۰ نسخه

حروف نگاری و صفحه‌آرایی: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت افست (سهامی عام)

نظارت چاپ، نشر، توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع

تهران - خیابان فلسطین، شماره ۳۸۲، شماره پستی ۱۴۱۶۶، صندوق پستی ۱۳۶۵۳۸۸۵، نمابر ۸۸۹۶۹۲۰۱

پایگاه اینترنتی: www.encyclopaediaislamica.com

www.daneshname.com

www.ewi.ir

این کتاب با تسهیلات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده است.

همه حقوق برای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی محفوظ است.

قیمت: ۲۵۰۰۰۰۰ ریال

دانشنامه جهان اسلام / زیر نظر غلامعلی حداد عادل. - تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ -

ج. : مصور (بخشی رنگی)

ISBN:978-600-447016-2 (v.15)

ص.ع. به انگلیسی:

Encyclopaedia of the world of Islam (in Persian)

کتابنامه

۱. اسلام - دایرةالمعارفها. ۲. کشورهای اسلامی - دایرةالمعارفها. ۳. ایران -

دایرةالمعارفها. ۴. تمدن اسلامی - دایرةالمعارفها. ۵. فرهنگ اسلامی - دایرةالمعارفها.

الف. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۲۴ - ب. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

۲۹۷/۰۳

BP/۵/۲/د ۲

۱۹۸۶/۱۴۰۷: السجلات المستنصرية، چاپ عبدالمنعم ماجد، مصر: دارالفکر العربی، ۱۹۵۴؛ سمعانی؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، تاریخ الخلفاء، چاپ محمد محیی‌الدین عبدالحمید، [قاهره] ۱۳۷۸/۱۹۵۹؛ شوقی‌ضیف، الفن و مذاهبه فی النثر العربی، قاهره ۱۳۶۵/۱۹۴۶؛ هلال بن مَحْسَن صابی، رسوم دارالخلافه، چاپ میخائیل عواد، بغداد ۱۳۸۳/۱۹۶۴؛ صدیق حسن خان، ابجدالعلوم، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی‌تا.]: فضل بن حسن طبری، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ علی‌اکبر غفاری، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ طبری، تاریخ (لیدن)؛ محمد بن عبدالجبار عتبی، ترجمه تاریخ یمینی، از ناصح بن ظفر جرفادقانی، چاپ جعفر شعار، تهران ۱۳۵۷ ش؛ عدنان محمد احمد، «الخطابة السياسية فی صدرالاسلام»، التراث العربی، ش ۶۵ (جمادی الاولی ۱۴۱۷)؛ علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه، چاپ صبحی صالح، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ اسماعیل بن قاسم قالی، کتاب الامالی، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛ عریب بن سعد قرطبی، صلة تاریخ الطبری، در محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری: تاریخ الامم و الملوک، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۱، بیروت [بی‌تا.]: احمد بن علی قفشدی، صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء، قاهره ۱۹۱۳-۱۹۲۰، چاپ افسط ۱۳۸۳/۱۹۶۳؛ همو، مآثر الأئمة فی معالم الخلافة، چاپ عبدالستار احمد فراج، کویت ۱۹۸۵؛ محمد صالح کتیب، عمل صالح، الموسوم به شاه‌جهان‌نامه، ترتیب و تحشیه غلام یزدانی، چاپ وحید قریشی، لاهور ۱۹۶۷-۱۹۷۲؛ آدم متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، یا، رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراقرلو، تهران ۱۳۶۴ ش؛ مجمل‌التواریخ و القصص، چاپ سیف‌الدین نجم‌آبادی و زبگفرد ویر، نکارهاوزن ۱۳۷۸ ش؛ مسکویه؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد، قم: مکتبه بصیرتی، [بی‌تا.]: احمد بن علی مقریزی، مَسْوَدَةُ کتاب المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار، چاپ ایمن فؤاد سید، لندن ۱۴۱۶/۱۹۹۵؛ همو، المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار، چاپ ایمن فؤاد سید، لندن ۱۴۲۲-۱۴۲۵/۲۰۰۲-۲۰۰۴؛ ناصر خسرو، سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی، چاپ محمد دبیرسیناقی، تهران ۱۳۶۳ ش؛

EP², s.v. "Khaṭīb" (by J. Pedersen); Ignaz Goldziher, *Muslim studies*, ed. S. M. Stern, translated from the German by C. R. Barber and S.M. Stern, London 1967-1971.

/ قنبر علی رودگر /

خطبه ← خواستگاری

خطبه ششقیه، از خطبه‌های مشهور نهج‌البلاغه و متضمن نقد دوران سه خلیفه اول. نام این خطبه برگرفته از جمله امام علی علیه‌السلام در پاسخ به ابن عباس، پس از ایراد خطبه، است (بیهقی، ج ۱، ص ۲۲۷) که در آن امام سخن گفتن خود را در این مقام به صدای ششقیه شتر تشبیه کرده است (←

این خلیفه سپس، نام احمد بن علی مُکَرَّم صُلَیحی، فرمانروای فاطمی یمن، را هم به پاس شایستگی‌هایش در گسترش قلمرو فاطمیان، به خطبه‌های ممالک تابع خود افزود (← السجلات المستنصرية، ص ۶۵-۶۳).

با اینکه خطبه خواندن برای یک خلیفه یا سلطان در واقع قلمرو نفوذ قدرت او را نشان می‌داد، این قدرت همواره واقعی نبود، چنان‌که بسیاری از فرمانروایان و سلاطین محلی در سده چهارم، با آن‌که به نام خلفا خطبه می‌خواندند، عملاً از آنها تبعیت نمی‌کردند و ولایت آنها به صورت مستقل یا دست‌کم نیمه‌مستقل اداره می‌شد. آنان در واقع به نام خلیفه خطبه می‌خواندند تا با دریافت لواء و خلعت^۱، حکومتشان از جانب او به رسمیت شناخته شود و از مواهب معنوی این مناسبات برخوردار گردند (برای نمونه ← سیوطی، ص ۳۹۹). از سوی دیگر، خطبه خواندن به نام سلاطین مستقل و به‌ظاهر تابع خلافت، در بیرون از قلمرو آنها، همیشه نشان گستره قدرت ایشان نبود، مثلاً برای سنجر که مرکز حکومتش در خراسان بود، در ولایاتی چون آذربایجان و شام و جزیره و اژان و مکه و مدینه خطبه می‌خواندند. در واقع به سبب شأن ویژه مذهبی مکه و مدینه، برای سلاطین قدرتمند علاوه بر دارالخلافه در این دو شهر نیز خطبه خوانده می‌شد (← ذهبی، ج ۲۰، ص ۳۶۲).

منابع: ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران [؟/۱۳۲۰ ش]؛ ابن‌بطوطه، رحلة ابن‌بطوطه، چاپ محمد عبدالمنعم عربان، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ ابن‌جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن‌حاج، المدخل، [قاهره] ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ ابن‌حجر عسقلانی، الدرر الکامنه فی اعیان المائة الثامنة، ج ۲، حیدرآباد، دکن ۱۳۹۳/۱۹۷۳؛ ابن‌خلدون؛ ابن‌طویر، نزهة المُؤَلِّتین فی اخبار الدولتین، چاپ ایمن فؤاد سید، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن‌عماد؛ ابن‌فضل‌الله عمری، التعریف بالمصطلح الشریف، چاپ محمد حسین شمس‌الدین، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ همو، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، سفر ۳، چاپ احمد عبدالقادر شاذلی، ابوظبی ۱۴۲۴/۲۰۰۳؛ ابن‌قتیبه، کتاب عیون الاخبار، قاهره ۱۳۴۳-۱۳۴۹/۱۹۲۵-۱۹۳۰؛ ابن‌کثیر، البداية و النهاية، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۰؛ ابن‌نُبَاته، دیوان خطب ابن‌نُبَاته، بیروت [۱۳۱۱]؛ احمد زکی صفوت، جمهرة خطب العرب فی عصور العربیة الزاهرة، [قاهره] ۱۳۵۲/۱۹۳۳؛ محمداعلی بن علی تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، بیروت: دارصادر، [بی‌تا.]: عمرو بن بحر جاحظ، البیان و التبيين، چاپ حسن سندوبی، قاهره ۱۳۵۱/۱۹۳۲؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸؛ فیروز حریری، «ویژگیهای خطبه در صدر اسلام»، کیهان اندیشه، سال ۱، ش ۱ (مرداد و شهریور ۱۳۶۴)؛ خطیب بغدادی؛ خواری، تحفه جلالیه، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجموعه حکمت، ش ۱۹۴، دهخدا؛ ذهبی؛ عبدالوهاب بن علی سبکی، مُعید النعم و مُبید النعم، بیروت

(متوفی ۳۰۳: ← مجلسی، ج ۲۹، ص ۵۰۶) و حافظ سلیمان بن احمد طبرانی (متوفی ۳۶۰: ← قطب راوندی، همانجا؛ محمودی، ج ۲، ص ۵۱۲) این خطبه را نقل کرده‌اند. وجود این خطبه در آثاری که قبل یا هم‌زمان با سیدرضی تدوین شده (← ابن بابویه، همانجاها؛ مفید، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۹۰)، حاکی از صحت انتساب آن به امام علی علیه‌السلام است.

افزون بر این اسناد و مدارک، فصاحت و نکات بلاغی (← ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳) و حسن اسلوب و نظم این خطبه نشان از کلام امام دارد (خوئی، ج ۲، ص ۲۷۳). از لحن و شیوه انتقادآمیز و تند خطبه نسبت به خلفا، از جمله عبارت «إلی أن قام ثالثُ القوم...» که ابی‌الحدید (ج ۱، ص ۱۹۷) آن را از شعر معروف و هجوآمیز خطبته تندتر و تلخ‌تر دانسته است - و با توجه به تعبیر ابن عباس از حضورش نزد امیرالمؤمنین (← ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۰؛ مفید، ج ۱، ص ۲۸۷) و تأسف او از ناتمام ماندن سخنان حضرت، برمی‌آید که لحن معمول و عمومی حضرت چنین نبوده، بلکه این خطبه را در جمع یاران خاص و به طور ناخواسته ایراد کرده است (جعفری، ج ۱، ص ۱۲۸؛ واعظزاده خراسانی، ص ۲۴).

خطبه شمشیه به مثابه رنج‌نامه امام علی علیه‌السلام و از مهم‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است. این خطبه، در عین کوتاهی، دوره کامل تاریخ خلفای سه‌گانه نخستین از نگاه حضرت است. محور اصلی این خطبه مسئله خلافت، اوضاع سیاسی عصر خلفای نخستین، علل سکوت ۲۵ ساله حضرت و انگیزه‌های پذیرش خلافت، گروه‌های سیاسی عصر امام و علل انحراف آنها از محور دین است. امام علی علیه‌السلام در این خطبه نخست شکایت خود را از نخستین مرحله خلافت بیان کرده و سپس صبر و سکوتش را به سبب ترجیح منافع اسلام بر منافع شخصی دانسته است. در قسمت بعدی خطبه، حضرت خلافت عمر را چون رشوه‌ای دانسته که ابوبکر به پاس خدمات عمر به او واگذار کرده است و خودسری، اشتباه، سرکشی و تلون و عیبجویی مردم را در این دوره ناشی از خشونت در گفتار و رفتار و خطاهای بی‌درپی عمر دانسته است. در ادامه حضرت به چگونگی به خلافت رسیدن عثمان در شورا و دسته‌بندیهای موجود در شورا اشاره کرده و پس از هجو شدید عثمان، شکمبارگی وی و دخالت‌های نابه‌جای بنی‌امیه را عامل قتل او ذکر کرده است. در ادامه حضرت به شرح بیعت عمومی مردم با خود پرداخته و مهم‌ترین علت ایجاد گروه‌های سیاسی منحرف در زمان خود را بی‌توجهی به تعالیم قرآن به سبب دنیازدگی دانسته است. در بخش پایانی خطبه حضرت مهم‌ترین علت پذیرش خلافت را حضور مردم در صحنه، اتمام حجت به واسطه وجود یاران و ادای پیمان الهی ذکر کرده و خاطر نشان ساخته است که

نواب لاهیجانی، ص ۱۴۵). شمشیه در لغت چیزی مانند شش گوسفند است که شتر، مخصوصاً به هنگام هیجان و شدت تنفس، از دهان خود خارج می‌کند و در آن باد می‌اندازد و زیر گلویش صدا می‌کند (ابن منظور، ذیل «شقق»). این خطبه بر اساس نخستین جمله آن («وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ») مقمَّصه نیز خوانده شده است (بیهقی، همانجا). تَقَمَّص (از ماده قمیص به معنای پیراهن) یعنی پیراهن بر تن کرد (ابن منظور، ذیل «قمص»).

با توجه به نکات تاریخی مطرح شده در خطبه، مانند ذکر ناکثین، قاسطین، و مارقین، پیداست که این خطبه پس از واقعه جمل، صفین و نهروان و احتمالاً در سالهای واپسین حیات حضرت علی علیه‌السلام ایراد شده است، یعنی در زمانی که مردم برای رویارویی با معاویه بهانه‌جویی می‌کردند. اکثر روایان درباره مکان ایراد خطبه سکوت کرده‌اند. طبرسی (ج ۱، ص ۲۸۱)، شیخ مفید (ج ۱، ص ۲۸۷) و قطب راوندی (ج ۱، ص ۱۳۳) مکان خطبه را محله رَحْبَه در نزدیکی کوفه ذکر کرده‌اند. امام این خطبه را در پاسخ به مردی ایراد کرد که از او درباره سبب به تأخیر انداختن تصدی خلافت پرسش کرد (سبط ابن جوزی، ص ۱۱۷). اکثر منابع این خطبه را به نقل از ابن عباس آورده‌اند و به حضور وی در هنگام ایراد این خطبه اشاره کرده‌اند (برای نمونه ← ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۰؛ مفید؛ طبرسی، همانجاها).

با وجود همه کوششها برای نادیده انگاشتن این خطبه و نظایر آن و نیز مصادر و منابع آن، بسیاری از علمای اهل سنت و شیعه آن را روایت کرده‌اند (← محمودی، ج ۲، ص ۵۱۲). این خطبه به متون ادبی نیز راه یافته و دانشمند و ادیبی چون ابن ابی‌اصبع مصری (متوفی ۶۵۴) در کتاب تحریرالتحییر که در فن نثر است در باب استعانت، از آن به عنوان خطبه‌ای مشهور یاد و بدان استناد کرده است (← کتاب ۲، ص ۳۸۳). این خطبه از بسیاری از علما و محدثان قبل از سیدرضی با تفاوت‌های اندکی در نقل روایت شده است؛ کسانی چون حافظ یحیی بن عبدالحمید جَمَّانی (متوفی ۲۲۸)، ابوجعفر احمد بن محمد برقی (متوفی ۲۷۴ یا ۲۸۰)، ابواحمد عبدالعزیز جلودی بصری، ابواحمد حسن بن عبدالله عسکری (متوفی ۳۸۲: ← امینی، ج ۷، ص ۱۱۰-۱۱۱)، ابوجعفر ابن بابویه قمی (متوفی ۳۸۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش، ص ۳۶۰-۳۶۴، همو، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱)، ابوالقاسم بلخی (متوفی ۳۱۷)، ابوجعفر بن قبه شاگرد ابوالقاسم بلخی (← ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶؛ ابن میثم، ج ۱، ص ۲۵۲)، ابوجعفر دَعِبَل خَزَاعی (متوفی ۲۴۶؛ ← طوسی، ص ۳۷۲)، ابوالحسن علی بن محمد بن فرات (متوفی ۳۱۲: ← ابن میثم، ج ۱، ص ۲۵۳)، ابوعلی جُبَّانی

لسان‌المیزان، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹-۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۹۷۱/۱۳۹۰؛ ابن منظور؛ ابن میثم، شرح نهج البلاغه، قم ۱۳۶۲ ش؛ عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، قم ۱۴۱۶-۱۹۹۵/۲۰۰۲؛ علی بن زید بیهقی، معارج نهج البلاغه، قم ۱۳۸۰ ش؛ محمدهدی جعفری، پرتوی از نهج البلاغه: با نقل منابع و تطبیق با روایات مأخذ دیگر، تهران ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ش؛ عبدالزهرای حسینی، مصادر نهج البلاغه و اسانیده، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ حبیب‌الله بن محمدهاشم خویی، منهاج البراعة شرح نهج البلاغه، چاپ علی عاشور، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸؛ محمدبن احمد ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، چاپ علی محمد بجاولی، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ محمدباقر موسوی خراسان، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، چاپ افست قم [بی تا]؛ محمدبن حسن طوسی، الامالی، قم ۱۴۱۴؛ سعیدبن هبة الله قطب‌راوندی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، چاپ عبداللطیف کوهکمری، قم ۱۴۰۶؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، چاپ عبدالزهرای علوی، بیروت: دارالرضا، [بی تا]؛ محمدباقر محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۲، بیروت ۱۳۹۶/۱۹۷۶؛ محمدبن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ محمدباقر بن محمد نواب لاهیجانی، شرح نهج البلاغه، چاپ محمدهدی جعفری و محمدیوسف نیری، تهران ۱۳۷۹ ش؛ محمد واعظزاده خراسانی، «امام علی (ع) و وحدت»، کتاب نقد، سال ۵، ش ۳ (تابستان ۱۳۸۰).

/ محمد محمودپور /

خطبة قاصعه، بلندترین خطبة نهج البلاغه در نکوهش

ابلیس و برحذر داشتن مردم از پیروی او. واژه قاصعه از ق ص ع به معنای فرو دادن آب و برطرف کردن عطش، نشخوار کردن، کوچک شمردن و خوار کردن آمده است (خلیل بن احمد؛ جوهری؛ ابن منظور، ذیل «قصع»). شارحان نهج البلاغه وجوه تسمیه گوناگونی برای این خطبه و موصوف شدن آن به قاصعه ذکر کرده‌اند که برگرفته از معانی لغوی آن است؛ از جمله اینکه حضرت علی علیه‌السلام این سخنان را سوار بر شترش که در حال نشخوار کردن بوده، ایراد کرده است. ابن میثم (ج ۴، ص ۲۳۴) این وجه را بر دیگر وجوه ترجیح داده است. براساس نقلی پیامبر اکرم نیز سوار بر مرکب، در حالی که آن مرکب نشخوار می‌کرد، خطبه‌ای خواندند (ع احمدبن حنبل، ج ۴، ص ۱۸۷؛ ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۰۵). دیگر آنکه، نصایح و مواعظ در این خطبه از آغاز تا پایان، پشت سرهم تکرار شده و از این رو به نشخوار دائم شتر تشبیه شده‌است. وجه تسمیه دیگر این است که در این خطبه، شیطان و پیروانش تحقیر و متکبران شده‌اند، و دیگر اینکه این سخنان غرور و خودخواهی متکبران

اگر این دلایل نبود حکومت را نمی‌پذیرفتم، زیرا دنیای شما نزد من بی‌ارج‌تر از آبی است که از بینی ژر به هنگام عطسه پراکنده می‌شود». هنگامی که سخن حضرت به اینجا می‌رسد، مردی از اهل سواد، نامه‌ای به حضرت می‌دهد و به این ترتیب رشته گفتار حضرت از هم گسیخته می‌گردد. عبدالزهرای حسینی (ج ۱، ص ۳۱۷) آن فرد را منافقی مکار یا شخصی جاهل دانسته که با طرح ده سؤال بی‌مورد (ع ابن میثم، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۰) از ادامه سخنرانی حضرت جلوگیری کرده است.

یکی از دلایل مخالفان صحت انتساب نهج البلاغه به امام علی علیه‌السلام، وجود همین خطبه در آن است. این گروه انتقاد آن حضرت را از خلفا و صحابه پیامبر بر خلاف سیره وی و جعلی دانسته‌اند (ع همان، ج ۱، ص ۲۵۲)، حتی برخی، با این قیاس، کل نهج البلاغه را بر ساخته سیدمرتضی علم‌الهدی دانسته‌اند (ع ذهبی، ج ۳، ص ۱۲۴؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۳). ابن ابی‌الحدید، از بزرگان اهل سنت، در صحت انتساب این خطبه به امام علیه‌السلام تردید نکرده، ولی برداشتهای شیعه از آن را نقد کرده است (ع ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۹). آنچه باعث تشکیک درباره این خطبه شده محتوای آن یعنی نقد دوران خلافت سه خلیفه اول است. از همین رو برخی از محدثان شیعه آن را در ذیل دیگر مناقشات و تظلم خواهیهای حضرت آورده‌اند (ع طبرسی، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ابن میثم، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۲).

از خطبه شفشقیه به جهت شهرتش، شرحهای مستقل بسیاری در دست است که از آن جمله‌اند: شرح الخطبة الشفشقیة از سیدمرتضی علم‌الهدی (قم ۱۴۰۵)؛ شرح خطبة شفشقیه از علامه مجلسی (ع مجلسی، ج ۲۹، ص ۴۹۷-۵۴۸)؛ اثبات الوصیة فی شرح الخطبة الشفشقیة اثر حریری عاملی (بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳)؛ شرح الخطبة الشفشقیة اثر محمدرضا حکیمی (بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۲)؛ الشذرات العلویة فی شرح الخطبة الشفشقیة اثر ابوذر غفاری (قم ۱۴۱۶/۱۹۹۵). همچنین شرح خطبة شفشقیه اثر مرتضی کاشانی (تهران ۱۳۷۸) و شرح خطبة شفشقیه اثر سیدمحمدعلی موسوی خلخالی (تبریز ۱۳۵۸ ش/۱۳۹۹)، شرحهای مستقل فارسی این خطبه‌اند (برای اطلاع از دیگر شروح این خطبه ع آقابزرگ طهرانی، ج ۱۳، ص ۲۲۲؛ حسینی، ج ۱، ص ۳۲۴).

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ابن ابی‌الاصبع، تحریر التخبیر فی صناعة الشعر و النثر و بیان اعجاز القرآن، کتاب ۲، چاپ حنفی محمد شرف، قاهره ۱۳۸۳؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن بابویه، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۵-۱۳۸۶، چاپ افست قم [بی تا]؛ همو، معانی الاخبار، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۳۶۱ ش؛ ابن حجر عسقلانی،